

پتر اسکندروف (Petr Iskenderov) محقق ارشد دانشکده اسلاو‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه، نامزد دکترای تاریخ، مفسر مسائل بین‌المللی رادیو «صدای روسیه»

مترجم: ا. م. شیری

آمریکا – اتحادیه اروپا: تجارت «آزاد» زیر کلاهک الکترونی

<http://www.fondsk.ru/news/2013/07/08/usa-es-svobodnaja-torgovlja-pod-elektronnym-kolpakom-21480.html>

۲۸ سرطان ۱۳۹۲

هیاهو پیرامون سیستم جاسوسی پرریزم^(۱) آمریکا، ایجاد منطقه آزاد تجاری آمریکا و اتحادیه اروپا، یکی از بلندپروازانه ترین طرح‌های ژئوپلیتیک واشنگتن را تهدید به دفن می‌کند.

بگزارش هفته نامه آلمانی اشپیل، خبرهای مربوط به جاسوسی سازمان امنیت ملی آمریکا بر علیه نمایندگی‌های سیاسی اتحادیه اروپا موجب ناراحتی شدید بروکسل گردید. اما فاینشنال تایمز انگلیس با استناد به نامه کمیسر امور داخلی اتحادیه اروپا، سسیلی مالمسترم به دولت آمریکا مینویسد که اتحادیه اروپا میتواند در ارتباط با نصب دستگاه‌های شنود در اتاق‌های سفرای کشورهای اروپائی به تبادل اطلاعات بین آژانس‌های امنیتی اروپا و آمریکا خاتمه دهد. کمیسر اروپا، مالمسترم، اظهار داشت: «رابطه ما با آمریکا، قدرتمندترین متحد ما به مرحله حساسی رسیده است. اعتماد متقابل و حریم خصوصی بشدت آسیب دیده، و من منتظر آنم که آمریکا آنها را بازسازی کند».

آلمان، فرانسه و هلند، سه کشور پیشرو اقتصادی اتحادیه اروپا موضع سفت و سختی در مقابل آمریکا گرفتند. خبرگزاریها به نقل از آنگلا مرکل نوشتند: «رفتار به سبک جنگ سرد پذیرفتنی نیست». اما لود وانوست معاون سابق رئیس مجلس بلژیک اظهار اطمینان کرد، که هدف اصلی برنامه پرریزم، جاسوسی اقتصادی علیه اتحادیه اروپا بوده، و خود این مستقیم ترین رابطه را با این معنی دارد که واشنگتن برای برنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری چه سرمایه ای میگذارد...

اتحادیه اروپا و آمریکا در اواخر سال ۲۰۱۲ مستقیماً به کار تدوین توافقنامه ایجاد منطقه آزادی تجاری، که شبکه بازرگانی و دیگر قراردادهای اقتصادی آنها را بهم مرتبط می‌سازد، آغاز کردند. محتوای مشاورات پیرامون این موضوع، عرصه هائی مانند تجارت محصولات کشاورزی، سرمایه گذاری متقابل، سر و سامان دادن به مالیات بندی و برسمیت شناختن متقابل استانداردهای پزشکی را در بر میگیرد. با این وجود، هدف اصلی سازندگان «ناتوی اقتصادی»

جهانی بطور واضح دیده میشود. یک منبع آگاه در بروکسل اظهار داشت: «غرب قصد ندارد بخشی از موضع خود در اقتصاد نوین جهانی را به کشورهای در حال رشد سریع و دارای بازارهای جدید، قبل از همه گروه کشورهای بریکس واگذار نماید». او تأکید کرد، که آماده میشود برای ایجاد بازار واحد فرا-اقیانوس اطلسی به ابتکار بیسابقه ای دست بزند.

تصمیم بروکسل مبنی بر ایجاد بازار آزاد تجاری فرا-اقیانوس اطلسی در نشست ۸ فوریه اتحادیه اروپا اعلام شد. چند روز پس از آن، باراک اوباما نیز آمادگی کشورش را برای حمایت از این طرح و شروع مذاکرات مقتضی با بروکسل اعلام نمود. باراک اوباما ضمن اختصاص بخش قابل ملاحظه ای از پیام سالانه خود «راجع به اوضاع کشور» و مراجعه به کنگره، سودمندی چنین گامها، البته، برای خود آمریکائیهها را مورد تأکید قرار داد. بگفته او، انعقاد قرارداد با اتحادیه اروپا در خدمت صادرات آمریکا و تأمین منافع رقابتی آمریکا «در بازارهای رو به رشد آسیا» قرار خواهد گرفت. علاوه بر آن، بعقیده باراک اوباما، «تجارت آزاد و خصوصی بین آمریکا و اتحادیه اروپا میتواند میلیونها محل کار جدید برای آمریکائیهها ایجاد نماید.

رئیس اتحادیه اروپا، ژوزه مانوئل باروزا در باره ابعاد باز هم گسترده تر اهداف و منافع ممکن اظهار داشت: «توافق آینده بین دو کشور بزرگ اقتصادی جهان، قاعده بازی بین المللی را تغییر خواهد داد. او در ادامه گفت: ما دست در دست همدیگر بزرگترین منطقه آزادی تجاری جهان را خواهیم ساخت».

روابط اقتصادی بین آمریکا و اتحادیه اروپا در حال حاضر واقعا پیشرفته ترین نوع آن در جهان بحساب میآید. مجموع مبادله کالا بین آنها به بیش از ۲ تریلیون دلار بالغ میشود. کمیسیون اروپا پیش بینی میکند، که انعقاد قرارداد فرا-اقیانوس اطلسی سالانه بیش از ۶۰ میلیارد یورو سود عاید تولیدکنندگان اروپائی خواهد کرد. طبق برآورد بروکسل، ایجاد منطقه آزاد تجارت خارجی بین آمریکا و اتحادیه اروپا باعث کاهش قیمت کالاها، و همچنین موجب تقسیم مؤثر منابع خواهد گشت که آن هم به سهم خود باعث کاهش قیمتها برای مصرف کننده نهائی خواهد گردید. محاسبات بعمل آمده در بروکسل نشان میدهند که این، تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا را نیم درصد (۰/۵٪) افزایش خواهد داد.

با این حال، همه امور بخوبی پیش نمیرود. ایده تشکیل اتحاد تجاری-اقتصادی فرا-اقیانوس اطلسی بین آمریکا و اتحادیه اروپا مدتهاست که در سطح کارشناسان و حتی برخی سیاستمداران مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. اروپائیهها، درست تا همین اواخر، در

وهله نخست، آنگلا مرکل، علاقمندی خود را به چنین طرحهائی اظهار میدارند. حتی دولت آلمان بسته پیشنهادی ایجاد هماهنگی در قوانین اتحادیه اروپا و آمریکا در عرصه اقتصادی و بازرگانی با چشم انداز ایجاد منطقه آزاد تجاری را در سال ۲۰۰۷ ارائه کرد. حیات این ایده در واشنگتن را میتوان در گزارش شورای امنیت ملی آمریکا مشاهده کرد، که آشفتگی نظام مالی-اقتصادی جهان را تا سال ۲۰۲۵ پیش بینی میکند. کارشناسان شورای امنیت ملی آمریکا مطمئن هستند که «در شرایط بحران عظیم مالی، دلار بسیار آسیب پذیر است، و نقش بین المللی دلار تا سال ۲۰۲۵، احتمالاً، از موقعیت بی نظیر «ذخیره ارزی جهانی» سقوط کرده و به یکی از اولین واحدهای پولی برابر در سبد ارزی تبدیل خواهد شد. به باور آنها، چنین شرایطی به سوی فرایند یکپارچگی فشرده تر سوق داده خواهد شد. همراه با آن «وابستگی ثبات مالی آمریکا به منابع خارجی، ممکن است آزادی عمل آمریکا را محدود نماید».

افزایش رو به تزاید نگرانیها از تقویت گروه کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هندوستان، چین و آفریقای جنوبی)، بلحاظ زمانی، آخرین تکان را به احیای ایده «ناتوی اقتصادی» داد. با این حال، طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری آمریکا و اتحادیه اروپا فاقد سفتی لازم بوده، و اساساً، این طرح از نقطه نظر ژئوپلیتیکی مورد تردید است. تناقضات بسیار زیادی بین آمریکا و اتحادیه اروپا وجود دارد. این اتفاقی نیست که رسانه های غربی ضمن نام بردن از برخی توافقات احتمالی، ترجیح میدهند با احتیاط در باره همکاری اقتصادی فرا-اقیانوس اطلسی سخن بگویند. از جمله، روزنامه آمریکائی سانفرانسیسکو کرونیکل احتمال لغو مالیات بر تجارت کالاها را که امروز بطور متوسط ۳-۴ درصد است، پیش بینی میکند. طبق برآورد این روزنامه، چنین اقدامی میتواند موجب افزایش ۵/۱ درصدی تولید ناخالص داخلی آمریکا، و نیم (۵/۰) درصدی اتحادیه اروپا بشود. اما این هنوز یک سناریوی کاملاً فرضی است. آمریکا رابطه تجارت آزاد با کره جنوبی دارد، ولی آن را اتفاقاً با توجه به حفظ وضعیت تقابل نظامی در جنوب شرقی آسیا، به سمت نظامی — استراتژیک سوق داده است. آنچه که به رابطه بروکسل با واشنگتن مربوط میشود، این است که به نوشته همان سانفرانسیسکو کرونیکل، اتحادیه اروپا به ابتکار فرانسه تصمیم دارد مذاکرات تجاری-اقتصادی مربوطه را «همراه با بحثها پیرامون نظارت از سوی شورای امنیت ملی» پیش ببرد.

خلاصه، نیت، در حد همان نیت باقی میماند، اما امروز بروکسل اغلب مجبور است با قواعدی بازی کند که دیگران تعیین میکنند. بحران اتحادیه اروپا را به تجدید نظر در مناسبات بازرگانی وادار کرده است. در سالهای گذشته بروکسل عمدتاً با شرکای ضعیف برای

دسترسی به بازار آنها به ازای اولویتها، معاهدات تجارت آزاد امضاء کرد و همه این قراردادهای بر مبنای شرایط اروپائیهایی بسته شده است. اروپائیهایی اینک نیز ملزم به دادن امتیازات جدی هستند. اتحادیه اروپا در ارتباط با آمریکا به سازش تن داد. در سال ۲۰۱۲ بروکسل سهمیه واردات گوشت پرورشی بدون استفاده از مواد هورمونی از آمریکا را افزایش داد. در آینده نزدیک احتمال می‌رود مسئله صدور پیه گاوی از آمریکا به اتحادیه حل شود. این مشکل سالها در سازمان تجارت جهانی مورد بحث بود. اصولاً، تصمیم کنونی برای ایجاد منطقه آزاد تجاری فرا-اقیانوس اطلسی، اقدامی است، که دو طرف برای حل مشکلات خود در خارج از دایره سازمان تجارت جهانی بعمل می‌آورند. زیرا، باصطلاح مذاکرات دوحه، که بمنظور حل و فصل اختلافات تجارت متقابل و هماهنگ کردن قانونگذاری از ۱۲ سال پیش تا کنون ادامه دارد. طبق پیش بینی کارشناسان، مذاکرات کنونی پیرامون توافقنامه فرا-اقیانوس اطلسی پر تنش خواهد بود و بیش از دو سال طول خواهد کشید. اگر مثلاً، چنین عرصه مهمی مانند شبکه «لوله» را در نظر بگیریم، اغراق آمیز نخواهد بود، که در همین رابطه «بازارهای آمریکا و اروپا نه تنها در برنامه تجارت لوله، بلکه، هم بلحاظ مقیاس تولید و هم بر اساس وضعیت بازار کنونی، مطلقاً با هم متفاوتند.

بالاخره، عامل بازدارنده در همگرایی تجاری - اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا عبارت است از «رابطه ویژه» واشنگتن و لندن. انگلستان متحد عمده اروپایی آمریکائیهایی بوده و همواره خواهد بود. زبگینیو بژینسکی اهمیت انگلیس مه آلوده در منافع آمریکا را چنین توصیف میکند: «انگلستان حامی بزرگ، متحد بسیار مطمئن، پایگاه نظامی حیاتی و شریک نزدیک در اصول مهم فعالیتهای تجسی آمریکا بشمار میرود». و چنین متحدی میتواند از برنده شدن در منطقه آزاد تجاری مهمتر باشد.

اصولاً، ایده منطقه آزاد تجاری مورد تقاضای جهان است. مشهورترین نمونه اروپایی آن میتواند توافقنامه تجارت آزاد اروپای مرکزی با شرکت مجارستان، لهستان، رومانی، سلاواکی و چک باشد. اما، توافقنامه منعقد شده در سال ۱۹۹۲ مجموعاً ۱۲ سال، یعنی، تا پذیرش عضویت کشورهای نام برده در اتحادیه اروپا معتبر بود. آنچه که به آمریکا مربوط میشود، همانطور که گفته شد، توافقنامه مشابهی با کره جنوبی، یکی از بازارهای عمده آسیا امضاء کرده است. در سال ۱۹۹۴ منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی با مشارکت آمریکا، کانادا و مکزیک ایجاد شد و آن نیز زمینه‌های حذف مرحله‌ای عوارض گمرکی و از میان برداشتن دیگر موانع از سر راه تولیدات صنعتی و کشاورزی و حمایت از حق داراییهای معنوی، تدوین موازین مشترک سرمایه گذاری، لیبرالیزه کردن خدمات تجاری و ایجاد مکانیسم مؤثر برای حل اختلافات تجاری بین

کشورهای عضو را فراهم میکند. همانطور که مشاهده میکنیم، سخن بر سر روند طولانی و پیچیده همگرایی و هماهنگی اعمال تجاری-اقتصادی در میان است. در راه ایجاد احتمالی منطقه آزاد تجاری آمریکا و اتحادیه اروپا، مشکلات اقتصادی بویژه بسیار بیشتر از آنچه که در فرایند تشکیل ^(۲) پدید آمد، بروز میکند. اما رسوائی «کلاهک الکترونی» آمریکا بر سر اروپا نشان میدهد در حالیکه از شمار این مشکلات بهیچوجه کاسته نمیشود، چگونه آمریکائیها زمینه برتری یکجانبه خود را در چهارچوب «ناتوی اقتصادی» برنامه ریزی شده خود آماده میکنند.

توضیحات:

(۱) - پریزم (PRISM) - برنامه دولتی آمریکا، طبقه بندی شده بمتابه برنامه فوق سری، که در سال ۲۰۰۷ توسط سازمان امنیت ملی آمریکا بعنوان جایگزین برنامه زیر نظر گرفتن تروریستها تدوین شد. جامعه در سال ۲۰۱۳، زمانیکه بریده هائی از برنامه در روزنامه های «واشنگتن پست» و «گاردین» منتشر گردید، از وجود چنین برنامه ای اطلاع یافت (نقل از: ویکی پدیا، مترجم).

(۲) - NAFTA (North American Free Trade Agreement)، توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (مترجم).